

درآمدی بر تقویت نظام تحصیلات عالی افغانستان

پوهنمل محمد مسعود نیکنام

دیپارتمنت اقتصاد زراعتی، پوهنځی زراعت، پوهنتون غزنی، غزنی، افغانستان

ایمیل: masoodnicnam@gmail.com

چکیده

راجع به بهبود نظام تحصیلی افغانستان انگشت شماری از دانش‌مندان توجه خویش را مبذول داشته‌اند. به همین دلیل تلاش صورت گرفت تا در رابطه به وضعیت فعلی نظام تحصیلی کشور، چالش‌ها و راه‌های بیرون رفت ممکنه آن جستجو گردد. بنابراین درین مجموعه توجه صورت گرفته است تا مسأله، با به‌کارگیری ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌یی و ساحوی به بحث گرفته شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که افزون بر مشکلات در بخش‌های زیربنایی و بودجه پوهنتون‌ها، در بخش‌های دیگری چون کم‌بود استادان و کارمندان مسلکی، تجهیزات لازم نوین تدریس، تأمین برق و خدمات انترنت با ثبات پوهنتون‌ها نیز مشکلات وجود دارد. هم‌چنان در خیلی از موارد فارغان پوهنتون‌ها از دانش و مهارت‌های لازم کاری برخوردار نبوده تا جذب کار در مؤسسات معتبر و یا بازارهای کاری منطقه شوند. بازنگری نصاب‌های تحصیلی، استقلالیت مالی پوهنتون‌ها، ظرفیت‌سازی و سایر راه‌های بیرون رفت که در لابلای این مجموعه ذکر شده‌اند؛ توقع می‌رود که پالیسی‌سازان و برنامه‌ریزان کشور را در امر بهبود و تقویت نظام تحصیلی کشور کمک نماید.

اصطلاحات کلیدی: افغانستان؛ تحصیلات عالی؛ پوهنتون‌ها؛ نصاب‌های تحصیلی؛ چالش‌ها؛ انکشاف

Insight on the Enhancement of Higher Education System in Afghanistan

Sr. Teaching Asstt. Mohammad Masood Nicnam

Department of Agricultural Economics, Faculty of Agriculture, Ghazni University,
Ghazni, Afghanistan

Email: masoodnicnam@gmail.com

Abstract

While numerous studies have explored developmental issues in Afghanistan, there is a notable dearth of information pertaining to improvements in the education sector. This study employs a combination of field surveys and literature reviews to collect and analyze data. The findings highlight significant challenges within the higher education sector, including budgetary constraints, inadequate infrastructure, a shortage of qualified academic staff, insufficient equipment, and unstable power and internet services. The study suggests that implementing measures such as gaining financial autonomy, conducting curriculum reviews, and capacity-building programs can partially address these challenges and improve the current state of Afghanistan's higher education system.

Keywords: Afghanistan; Higher Education; Universities; Curriculum; Challenges; Development

مقدمه

تعلیم و تربیه اساس و تهداب انکشاف ملت‌ها را تشکیل می‌دهد و کشوری را در جهان سراغ نداریم که بدون سرمایه‌گذاری و توجه لازم بالای سکتور معارف و تحصیلات عالی به رفاه و توسعه پایدار رسیده باشد (گزارش استراتژی ملی انکشاف افغانستان، ۱۳۸۷). دانش‌مندان را عقیده بر آن است که بدون آموزش و پرورش، انسان‌ها بدون آینده درخشان‌اند و در جاهایی که مردم و مسئولین به آموزش کم‌تر ارزش قایلند، دیده شده است که از کاروان تمدن بشریت خیلی‌ها فاصله داشته و در رنج، تنگ‌دستی، فقر و گرسنگی به سر می‌برند. بخشی از عقب‌مانده‌گی افغانستان نیز ارتباط مستقیم به این دارد که در دوره‌های گذشته طوری که لازم است برنامه‌های درست آموزشی مطابق به تقاضای جامعه و تحولات چشم‌گیر قرون ۲۰ و ۲۱ طراحی، هماهنگ و تطبیق نشده است (فروتن، ۱۳۸۳).

به اساس پلان عملیاتی ملی سواد وزارت معارف کشور در سال ۲۰۱۲ سطح عمومی سواد در افغانستان ۳۴٪ گزارش شده است (NLAP, 2012). این درحالی است که در مطابقت به گزارش فقر چند بعدی افغانستان که در سال ۱۳۹۵ توسط اداره ملی احصایه و معلومات به دست نشر سپرده شده است نشان می‌دهد که در سروی مذکور ۷۵٪ زنان و ۴۷٪ مردان در کشور از نعمت تعلیم محروم بوده‌اند. افغانستان با جمعیت بلند بی‌سواد یکی از کشورهای بزرگ بی‌سواد دنیاست.

بنا بر نبود یک نظام تعلیمی فراگیر و توان‌مند و به همین ترتیب فقدان سرمایه انسانی یک عامل عمده کندی روند رشد و انکشاف اقتصادی در افغانستان به‌شمار می‌رود (NCPR, 2010). به روایت تاریخ یکی از ریشه‌های اصلی بحران در افغانستان پایین بودن سطح آموزش به‌شمار رفته است (علی‌آبادی، ۱۳۸۲).

پیشینه تحقیق و بیان مسأله

هر چند در دهه‌های اخیر در بخش‌های معارف و تحصیلات عالی کشور تا حدی اقداماتی صورت گرفته است؛ اما تلاش‌های انجام شده با توجه به نیازمندی‌های مبرم جامعه افغانی و بازار کار منطقه و جهان کافی و بسنده نبوده است (پروژه تحقیقاتی دیپارتمنت اقتصاد، ۱۳۸۸). بر مبنای ارقام رسمی اداره ملی احصایه و معلومات افغانستان تعداد پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی و دولتی در سال ۱۳۹۹ هجری شمسی به ۱۶۷ باب رسیده که از جمله ۱۲۸ آن خصوصی و ۳۹ آن دولتی می‌باشد. هم‌چنان مجموع استادان پوهنتون‌های دولتی و خصوصی در سال ۱۳۹۹ به ۱۸۹۹۸ نفر رسیده که از آن جمله ۲۶۱۷ نفر آن زن و ۱۶۳۸۱ نفر مرد می‌باشد. علاوه بر آن ارقام رسمی بیان‌گر آن است که در سال ۱۳۹۹ هجری شمسی مجموع محصلان پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی و دولتی بالغ بر

۳۸۷۹۴۶ نفر می‌گردد که ۲۷۹۰۹۴ تن آن‌را محصلان ذکور و ۱۰۸۸۵۲ تن آن‌را محصلان اناث تشکیل می‌دهد (سالنامه احصائیوی، ۱۳۹۹).

مسئله مهم این جاست که با وجود وافر بودن نهادهای تحصیلی در کشور چرا این نهادها هنوز مؤثریت، عملکرد و کارایی لازم خود را ندارند و اکثر فارغان آن از دانش و مهارت‌های خوبی برای کشور و منطقه برخوردار نیستند و همه‌روزه سطح بیکاری در کشور گسترده‌تر شده و دامنه فقر وسعت پیدا می‌کند. به همین دلیل تأمل در بخش دگرگونی نظام تحصیلی کشور و ملحقات آن لازم دیده می‌شود (کارولینا، ۲۰۱۷).

روش تحقیق

درین تحقیق از روش‌های کتابخانه‌یی و ساحوی به‌خاطر گردآوری معلومات استفاده شده است. برای گردآوری معلومات اولی با ۳۰ تن از کارشناسان و متخصصین بخش تحصیلات عالی مصاحبه صورت گرفته است. هم‌چنان معلومات ثانوی با استفاده از آثار چاپی کتابخانه‌ها، مجلات و گزارش‌های مؤثق علمی جمع‌آوری شده است. از جانب دیگر لازم به یادآوری است که جهت غنای تحقیق منابع معتبر علمی که در جهان مجازی پیرامون موضوع موجود اند، نیز مرور شده است.

اهداف تحقیق

۱. تلاش می‌شود تا از چالش‌های عمده نظام تحصیلی کشور پرده برداشته شود.
۲. با توجه به چالش‌های موجوده برای بهبود و تقویت نظام تحصیلی کشور راه‌های بیرون‌رفت جستجو گردد.

یافته‌های تحقیق

چنان‌چه قبلاً راجع به اهمیت سکاتور تحصیلات عالی در جامعه تذکر به عمل آمد، تقویه این سکاتور نقش قابل‌ملاحظه و بی‌بدیل در انکشاف کشورها بازی می‌کند. با درنظرداشت تجارب گذشته و نظریات کارشناسان و اهل خبره، اینک برخی موارد عمده به‌خاطر بهبود و تقویه نظام تحصیلی کشور یادآوری می‌شوند:

۱. **بازنگری و عصری‌سازی نصاب‌های تحصیلی:** نصاب تحصیلی به مثابه یکی از عناصر کلیدی نظام آموزش تحصیلات عالی در پروسه آموزش، تولید، انتقال و تعمیم از جایگاه ویژه برخوردار می‌باشد (رهنمود بازنگری و انکشاف تحصیلات عالی، ۱۳۹۹).

رشته‌ها و برنامه‌ها باید از عمومیت و عام بودن به‌طرف تخصصی شدن سوق یابند. اگر نظر اندازیم برخی از رشته‌ها در چوکات پوهنتون‌ها به‌خصوص نصاب‌های درسی و مواد درسی شان جنبه عمومی دارد،

سروی شده‌گان این تحقیق، پیشنهاد می‌نمایند که چنین رشته‌ها باید بیش‌تر مسلکی و اختصاصی شوند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) خاطر نشان ساخته‌اند که عمومیت برنامه‌ها و هماهنگی کم‌تر میان برنامه‌های علمی جزء چالش‌های اساسی در نظام تحصیلات عالی پاکستان به‌شمار می‌رود.

نصاب‌های تحصیلی باید مطابق بازار کار و نیازهای مبرم جامعه افغانی، منطقوی و جهانی به‌روزرسانی و بازنگری شوند، انتظار می‌رود که فارغان پوهنتون‌های افغانستان در بازارهای منطقه و جهان کار کرده بتوانند؛ باید نیازها و تقاضای بازار کار منطقوی و جهانی از طرف نهادهای تحصیلی کشور در کریکولم‌های برنامه‌های علمی در نظر گرفته شوند و نیز لازم است که فارغان باید به دانش و تکنالوژی روز ملبس و آراسته شوند. هم‌چنان زیر ساخت‌ها و ملحقاتی که ذریعه آن نصاب تحصیلی جنبه تطبیقی و عملی پیدا می‌کنند؛ چون لابراتوارهای مجهز و عصری، محکمه‌های تمثیلی، شفاخانه‌های کادری، فارم‌های تحقیقاتی و اجرای کارهای عملی و سایر لوازم ضروری نیز فراهم شوند (سروی خودی، ۱۴۰۱). احمد و همکاران (۲۰۱۴) و شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) جهت تقویت نظام تحصیلات عالی، بازنگری و عصری‌سازی نصاب‌های تحصیلی پوهنتون‌های پاکستان را پیشنهاد نموده‌اند.

۲. از صرف محلی بودن باید به منطقوی شدن و جهانی شدن برویم: فارغین پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی کشور صرفاً نباید به‌خاطر کار کردن در افغانستان تریه شوند؛ بلکه چنان با مهارت‌های لازم و دانش آراسته شوند که بتوانند در بازارهای منطقه و جهان نیز کار نمایند و فرصت‌های کاری را از آن خود سازند. علاوه بر آن؛ افغانستان باید حداقل چند پوهنتون در بین ۱۰۰۰-۲۰۰۰ پوهنتون‌های برتر جهان داشته باشد. به‌عباره دیگر به رده‌بندی (Ranking) جهانی پوهنتون‌های برتر باید توجه شود. فعلاً در رده‌بندی بین ۲۰۰۰ پوهنتون برتر جهان از کشورهای همسایه یک یا چند پوهنتون به‌نظر می‌خورد؛ ولی از افغانستان در این کتگوری هیچ پوهنتون دیده نمی‌شود. با توجه به معیارهای جهانی حداقل یک یا چند پوهنتون افغانستان باید عیار گردد و شامل کتگوری فوق شوند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

بر علاوه؛ در پهلوی تدریس به زبان‌های ملی در پوهنتون‌های کشور، باید به زبان‌های بین‌المللی و منطقوی نیز توجه شوند. فارغان پوهنتون‌ها حداقل به یک الی چند زبان بین‌المللی باید قابلیت تکلم و کار را داشته باشند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۳. مبدل ساختن پوهنتون‌ها از مراکز صرف تدریس به تحقیق و تدریس: از آنجایی که تحقیقات علمی یک رکن اساسی پیشرفت و انکشاف کشور را در عرصه‌های مختلف تشکیل می‌دهد، نهادهای اکادمیک باید به تولید دانش از طریق انجام تحقیقات علمی توجه بیش‌تر نمایند. در زمینه مشوق‌های

خوبی برای محققین باید مدنظر گرفته شوند. هم‌چنان بودجه لازم در زمینه به‌خاطر پرداختن و انجام کارهای تحقیقی باید در نظر گرفته شود. مراکز تحقیق پوهنتون‌ها ایجاد و حمایت بیش‌تر شوند. مجله‌های علمی پوهنتون‌ها ایجاد شوند و اگر از قبل ایجاد شده‌اند؛ باید از لحاظ کیفی تقویت شوند. فعلاً اکثر پوهنتون‌ها بیش‌تر وظیفه تدریس را دارند و انجام تحقیقات علمی شان کم‌رنگ است. انجام تحقیقات وافر و نشر آن در ژورنال‌های ملی و بین‌المللی به اعتبار نهادهای آکادمیک می‌افزاید (سروی خودی، ۱۴۰۱). هم‌چنان ایجاد ژورنال‌های بین‌المللی یا حداقل همکاری در ایجاد آن که باید به زبان‌های بین‌المللی نشر شوند و در آن نه تنها مقاله‌های تحقیقی اعضای کادر علمی افغانستان نشر شود؛ بلکه نتایج تحقیقات علمی از محققین و اساتید سایر کشورهای همکار نیز در آن به چاپ برسند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) جهت تقویت نظام تحصیلات عالی، تقویت و ایجاد مراکز تحقیقی را در پوهنتون‌های پاکستان پیشنهاد نموده‌اند.

۴. توجه بیش‌تر در بخش تحصیلات عالی از کمیت به کیفیت: در ۵ سال آینده توجه بیش‌تر به کیفیت تحصیلات عالی صورت گیرد؛ چون در سال‌های اخیر سکتور تحصیلات عالی از لحاظ کمیت رشد قابل‌ملاحظه داشته است. با توجه به نظریات کارشناسان برخی پوهنتون‌های خصوصی به تولید درآمد خویش بیش‌تر فکر کرده و به کیفیت تحصیلات عالی کم‌تر می‌اندیشند و حتی برخی دیگر ملوث به فساد تحصیلی‌اند که این امر مستلزم نظارت دوام‌دار و جدی و برخورد قانونی مسئولین را می‌نماید (سروی خودی، ۱۴۰۱).

شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) در پاکستان و کومار (۲۰۲۱) در هندوستان نیز توجه به کیفیت را یکی از گام‌های مؤثر برای بهبود نظام آموزشی مطرح نموده‌اند.

۵. تبدیل نمودن پوهنتون‌ها از حالت کاملاً مصرفی به عایداتی: فعلاً پوهنتون‌های دولتی کاملاً مصرفی و از لحاظ عواید و بودجه بار دوش حکومت مرکزی است. پوهنتون‌های دولتی باید از لحاظ درآمد، مولد باشند و به تدریج سر پای خود ایستاد شده و از لحاظ مالی استقلالیت خود را به تدریج مطابق مقررہ استقلالیت مالی به‌دست بگیرند. پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی در بخش بودجه و مسایل مالی خویش مستقل‌اند. درحالی‌که دست و پای اکثر پوهنتون‌های دولتی در زمینه بسته است و بیش‌تر آن‌ها وابسته به حمایت‌های مالی دولتی می‌باشند. باید به پوهنتون‌های دولتی بیش‌تر فرصت داده شود که آن‌ها خود مطابق قانون به جستجوی سرچشمه‌های عایداتی و منابع و حمایت‌های مالی بگردند و یک بخش مشکلات مالی خود را فراتر از بودجه وزارت، سراغ نمایند. البته در عین حال

توجه به مبارزه به فساد مالی و اداری نیز باید معطوف باشد (سروی خودی، ۱۴۰۱). احمد و همکاران (۲۰۱۴)، شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) ابراز نموده‌اند که محدودیت مالی در نظام تحصیلات عالی پاکستان نیز جزء چالش‌های اساسی است.

۶. شیوه تدریس معلم‌محوری و غیر فعال باید به شیوه تدریس شاگرد‌محوری و مبتنی بر نتایج و فعال تغییر کند: با توجه به مشاهداتی که از نهادهای اکادمیک صورت گرفته نشان می‌دهد که گاهی از روش‌های نوین تدریس در نهادهای اکادمیک استفاده شده؛ ولی بیش‌تر از روش‌های کهنه و غیر فعال کار گرفته می‌شود. شیوه‌های تدریس در نهادهای اکادمیک به شکل تدریجی با فراهم‌آوری تجهیزات آموزش عصری (OBE, SCL) و تدارک برق و خدمات اینترنت معیاری فراهم شود (سروی خودی، ۱۴۰۱).

کومار (۲۰۲۱) تغییر روش‌های کلاسیک تدریس را به روش‌های نوین تدریس به‌خاطر تقویت نظام تحصیلات عالی هندوستان پیشنهاد نموده است.

۷. از کارهای روتین و تکراری روزمره در پوهنتون‌ها باید به طرف خلاقیت و نوآوری‌ها حرکت شود: مراکز خلاقیت و نوآوری در پوهنتون‌ها باید ایجاد شوند و افکار مبتکرانه باید تشویق و ترغیب شوند. رهبری پوهنتون‌ها نباید تمام انرژی و ظرفیت خود را صرف کارهای روزمره و تکراری نمایند؛ بلکه در کنار آن باید تفکر استراتژیک و خلاقانه نیز داشته باشند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

کومار (۲۰۲۱) نیز تقویت خلاقیت و نوآوری را در نظام تحصیلات عالی هندوستان مطرح نموده‌اند.

۸. دسترسی همه افغان‌ها به تحصیلات عالی با کیفیت: از آنجایی که سرمایه انسانی جزء ثروت‌های ملی و عامل اساسی توسعه پایدار کشورهاست و این امر بدون سکتور معارف و تحصیلات عالی امکان‌پذیر نیست. بنابراین لازم دیده می‌شود که به‌خاطر انکشاف مهارت‌ها و سطح معیشت؛ همه افغان‌ها باید بدون درنظرداشت جنسیت، قومیت، مذهب، سمت، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و زبان به معارف و تحصیلات عالی با کیفیت با رعایت ارزش‌های اسلامی دسترسی داشته باشند (ANDS, 1387).

۹. افزایش آزادی‌های اکادمیک و اداری پوهنتون‌ها: صلاحیت‌ها و مسئولیت‌ها به‌صورت متناسب باید از وزارت به پوهنتون‌ها واگذار شود. ملاحظه می‌شود که حتی تصمیم‌آخذ امتحانات وسط سمستر، نهایی و شروع و ختم سمستر تحصیلی در پوهنتون‌ها را نیز وزارت می‌گیرد. هر پوهنتون با درنظرداشت وضعیت اقلیمی و محیطی خویش باید تقویم اکادمیک به‌خصوص خود را داشته باشند و از طریق شوراهای علمی آن‌ها تأییدی بگیرد. اهداف و اولویت‌های استراتژیک پوهنتون‌ها که مندرج پلان‌های

استراتژیک آن‌ها می‌باشند؛ باید در برنامه‌های انکشافی وزارت به آن توجه شود. اندازه و حدود آزادی‌های اکادمیک و اداری پوهنتون‌ها را باید لایحه تنظیم نماید (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۱۰. **مدنظر گرفتن اهداف انکشاف پایدار:** در پلان استراتژیک آینده وزارت تحصیلات عالی و پلان‌های استراتژیک پوهنتون‌ها باید اهداف انکشاف پایدار (SDG) تا حدی مدنظر گرفته شوند. به این صورت اهداف استراتژیک ۵ سال آینده تحصیلات عالی کشور و پوهنتون‌ها با اهداف استراتژیک ملی و جهانی بیش‌تر هماهنگ شده و زمینه جذب مالی و همکاری دوزرها و سازمان‌های همکاری‌های منطقوی و جهانی بیش‌تر فراهم خواهند شد. البته ارزش‌های اسلامی و فرهنگ اصیل افغانی در زمینه نیز رعایت شوند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۱۱. **بازنگری و نظرسنجی پیرامون برنامه‌های علمی موجوده:** افزون بر تجدید و بازنگری نصاب‌های تحصیلی که قبلاً ذکر شد، از فارغان برنامه‌های علمی، استخدام‌کننده‌ها، استادان، محصلان و سایر شرکای کاری تمام برنامه‌های علمی و رشته‌های موجوده پوهنتون‌ها باید مفیدیت و کارآمدی برنامه‌های شان نظر سنجی شوند. در صورتی که برنامه‌های علمی موجوده به‌درد بخور جامعه و بازار کار نباشند؛ باید لغو و مسدود شده و به‌جای آن برنامه‌های کارآمد و مفید جدید برای جامعه و بازارهای کار ملی و جهانی در چوکات پوهنتون‌ها ایجاد شوند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۱۲. **رشته‌بندی صنوف مکاتب بعد از صنف نهم به رشته‌های اختصاصی:** نظرسنجی که از کارشناسان صورت گرفته است، نشان می‌دهد که برخی محصلان جدیدالشمول پوهنخی‌های اختصاصی از معلومات و دانش کافی ابتدایی رشته مربوطه خویش برخوردار نیستند و یا علاقه‌مندی به رشته کامیاب شده ندارند. در صورتی که مکاتب از صنف نهم به بعد (علوم ساینسی، علوم دینی، السنه و زبان‌ها، علوم اجتماعی و...) به همکاری و هماهنگی وزارت معارف کشور رشته‌بندی گردند و متعلمان بتوانند بعد از فراغت از طریق امتحان کانکور به رشته‌های مورد علاقه خویش در پوهنتون‌ها موفق شوند این کار بالای پروسه آموزش در نهادهای اکادمیک مؤثریت بیش‌تر پیدا کرده و فارغان به زیور دانش بهتر آراسته می‌شوند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۱۳. **جدی گرفتن تضمین کیفیت و اعتباردهی نهادهای اکادمیک:** موضوع اعتباردهی و تضمین کیفیت پوهنتون‌های دولتی و خصوصی باید نهایت جدی گرفته شود تا ارائه خدمات نهادهای تحصیلی معیاری شوند. هم‌چنان مداخلات سیاسی از بدنه تحصیلات عالی باید دور نگه داشته شود (قانون تحصیلات عالی ملکی، ۱۳۹۴). اجازه دادن مداخلات سیاسی در بدنه تحصیلات عالی کشور به‌معنای آتش زدن ارزش‌ها و فرار از تطبیق حاکمیت قانون و مقررات است (سروی خودی، ۱۴۰۱).

به منظور این که از رهگذر اعتباردهی و تضمین کیفیت ظرفیت پوهنتون های افغانستان بالا برود، ارتباط و عضویت با نهادهای اعتباردهی منطقی و جهانی باید برقرار شود؛ به طور مثال با شبکه جهانی نهادهای تضمین کیفیت تحصیلات عالی (INQAAHE) و شبکه تضمین کیفیت آسیا پاسیفیک (APQN) (پلان استراتژیک وزارت تحصیلات عالی، ۱۳۹۵).

۱۴. تحکیم روابط وزارت تحصیلات عالی و پوهنتون های کشور با مؤسسات همکار داخلی و خارجی:

وزارت تحصیلات عالی، پوهنتون ها و حتی هر پوهنخی با در نظر داشت استقامت و رشته کاری خویش با نهادهای دولتی و خصوصی در مرکز و ولایات باید روابط محکم برقرار نموده و زمینه همکاری های متقابل را فراهم نمایند (سروی خودی، ۱۴۰۱). هم چنان پوهنتون های افغانستان به خصوص اکثر پوهنتون های ولایتی رابطه ضعیف و یا هیچ رابطه رسمی با مراکز تحصیلی خارجی ندارند. برای به دست آوردن همکاری های متقابل علمی آن ها برای رشد و توسعه سکتور تحصیلات عالی کشور رابطه فعلی پوهنتون ها با جهان کافی نیست؛ باید توسعه بیش تر یابد. در زمینه توأمیت های علمی و تفاهم نامه های همکاری در هماهنگی نهادهای مسئول کشور باید فی مابین پوهنتون های افغانستان و پوهنتون های کشورهای همکاری صورت گیرد. طی مراحل چنین تفاهم نامه ها از سوی حکومت مرکزی باید تشویق، تسهیل، تسریع و حمایت گردد (سروی خودی، ۱۴۰۱).

شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) تقویت روابط متقابل نهادهای اکادمیک را با مراکز علمی جهان خارج یکی از گام های مؤثر برای بهبود نظام آموزشی پاکستان مطرح نموده اند.

۱۵. تدویر برنامه های ارتقای ظرفیت: فراهم سازی زمینه برنامه های ارتقای ظرفیت کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت تحصیلی برای اعضای کادر علمی و اداری وزارت تحصیلات عالی به اساس میکانیزم شفاف و عادلانه که همه در آن خود را دریابند. این روند بعد از نیازسنجی دقیق و همه جانبه بعد از اولویت بندی با در نظر داشت امکانات موجود می تواند عملی گردد (سروی خودی، ۱۴۰۱).

احمد و همکاران (۲۰۱۴)، شمیلا و همکاران (۲۰۲۰) ظرفیت سازی را یکی از گام های مؤثر برای نظام آموزشی پاکستان مطرح نموده اند.

۱۶. انکشاف زیربناها و فراهم سازی تجهیزات کاری و آموزشی: در بخش انکشاف زیربناها در کنار

اعمار تعمیرات تدریسی و اداری، سرک های داخلی پوهنتون ها خوب است که طی پلان منظم موضوع سرپناه و نمرات رهاشی برای اعضای کادر علمی و اداری پوهنتون ها تحت شرایط خاص در نظر گرفته شود. عدم داشتن سرپناه لازم منسوبین پوهنتون ها یک چالش است؛ به خصوص برای استادانی که سرپناه شان در یک ولایت و وظیفه شان در ولایت دیگر است. قابل یادآوری است که فراهم سازی لوازم کاری

کارکنان و ملحقات تطبیق نصاب‌های تحصیلی که قبلاً در بخش نصاب از آن یادآوری شده است، مهم می‌باشد (سروی خودی، ۱۴۰۱).

احمد و همکاران (۲۰۱۴) و کومار (۲۰۲۱) نیز از مشکلات در بخش زیربناها و تجهیزات ناکافی در نظام تحصیلات عالی پاکستان و هندوستان اشاره داشته‌اند.

۱۷. انکشاف متوازن و عادلانه پوهنتون‌ها باید یک اصل استراتژیک برای وزارت تحصیلات عالی باشد: جلب همکاری‌ها و توجه مؤسسات همکار بین‌المللی و سفارت‌خانه‌ها صرف باید به پوهنتون‌های مرکز و پوهنتون‌های برتر کشور معطوف نباشد؛ بلکه همه پوهنتون‌های کشور و پوهنتون‌هایی که در انزوا و ولایات دوردست قرار دارند؛ نیز از این مزیت‌ها چه در بخش برنامه‌های ارتقای ظرفیت و توزیع بورسیه‌های تحصیلی باشد و چه در بخش‌های زیربنایی و تجهیزات به‌صورت متوازن و عادلانه مستفید گردند (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۱۸. بازنگری قانون تحصیلات عالی، پلان استراتژیک وزارت تحصیلات عالی و سایر اسناد تقنینی مربوطه تحصیلات عالی: قبلاً اسناد تقنینی (مقرره‌ها، لوایح، رهنمودها، پالیسی‌ها و طرز‌العمل‌ها) زیادی از طرف ادارات مسئول در بخش تحصیلات عالی تصویب گردیده است؛ اما با توجه به مقتضیات روز و اخذ مشورت از اهل خبره و متخصصین باید در زمینه بازنگری صورت گیرد (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۱۹. در حصه استخدام کادر علمی و اداری اناث در مؤسسات تحصیلات عالی توجه بیش‌تر شود: از آن‌جایی که درحال حاضر صنوف درسی اناث و ذکور در پوهنتون‌های دولتی جدا می‌باشند و اکثر پوهنتون‌ها به کم‌بود استادان اناث مواجه‌اند، نیاز دیده می‌شود که در بخش استخدام استادان و کارمندان اناث توجه لازم اتخاذ شود. به‌خاطر تحقق این امر لازم است که اسناد تقنینی این بخش بازنگری شده تا سهولت‌های بیش‌تر تقرری برای استادان اناث مساعد شود (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۲۰. افزایش امتیازات و معاش اعضای کادر علمی پوهنتون‌ها: نظرسنجی‌های تحقیق نشان می‌دهند که در پهلوی انگیزه دادن برای استادان برای خدمت به اولاد وطن و کشور رنج‌دیده، باید امتیازات و معاشات اعضای کادر علمی نیز افزایش یابد تا بدین‌وسیله زمینه جذب استادان ورزیده بیش‌تر مساعد شده و از فرار اعضای کادر علمی به خارج و یا ترک پوهنتون‌ها جلوگیری شود. کم شدن معاشات اعضای کادر علمی درحالی‌که قیمت مواد غذایی و نرخ سایر خدمات بلند رفته است. اعضای کادر علمی را به مشکلات جدی مالی مواجه ساخته است (سروی خودی، ۱۴۰۱ و مقرر معاش و امتیازات اعضای کادر علمی، ۱۳۹۸).

احمد و همکاران (۲۰۱۴) از معاش ناکافی نیز به عنوان یک چالش در بخش تحصیلات عالی پاکستان یادآوری نموده‌اند.

۲۱. بلند بردن ظرفیت جذب پوهنتون‌ها: هرچند تناسب استاد و محصل نظر به رشته تفاوت دارد؛ اما نسبت حداقل ۳۰/۱ استاد بر محصل باید در عموم رعایت شود (پلان استراتژیک وزارت تحصیلات عالی، ۱۳۹۵). ملاحظه شده که در اکثر موارد محصلان جدیدالشمول بیش‌تر از ظرفیت جذب پوهنتون‌های دولتی از سوی اداره ملی کانکور معرفی شده است. تربیه درست جدیدالشمولان به اعضای کادر علمی و اداری کافی، صنوف و تجهیزات لازم درسی و بودجه نیازمند است (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۲۲. تشکیلات پوهنتون‌های خصوصی باید مطابق قانون رسمی و دایمی گردد: تقررهای اعضای کادر علمی و اداری پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی باید از طریق رقابت آزاد مطابق قانون طی مراحل گردد. مشاهده شده است که در برخی پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی استادان قراردادی کم تجربه و غیر واجدالشرايط را با حق‌الزحمه اندک استخدام نموده‌اند. این روند بالای کیفیت تحصیلات عالی کشور تأثیر ناگوار دارد (سروی خودی، ۱۴۰۱).

۲۳. درکنار انکشاف نظام تحصیلی باید سایر بخش‌های اقتصاد ملی نیز انکشاف نمایند: به‌خاطر این‌که از ظرفیت‌های فارغان پوهنتون‌ها استفاده لازم صورت گیرد؛ باید توسط حکومت مرکزی تمام عرصه‌های انکشافی جامعه به همکاری سکتور خصوصی تقویت شوند و پروژه‌ها و برنامه‌های جدید عمرانی راه‌اندازی شوند تا شغل‌زایی صورت گیرد و سطح بیکاری در جامعه کاهش یابد. هم‌چنان اصل شفافیت و شایسته‌سالاری حین پروسه استخدام و تقررهای باید رعایت شود. در کنار آن برای محصلان انگیزه داده شود که بعد از فراغت در جامعه باید کارآفرین باشند نه صرفاً منتظر فرصت‌های شغلی توسط دیگران (سروی خودی، ۱۴۰۱).

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که چالش‌های عدیده در بخش تحصیلات عالی کشور چون کم‌بود استادان مسلکی، مشکلات در بخش نصاب‌های تحصیلی و عدم تطبیق همه‌جانبه آن، پایین بودن ظرفیت علمی محصلان جدیدالشمول در پوهنتون‌ها و نیز کم‌بود تجهیزات و زیر ساخت‌های تدریسی که به‌صورت تفصیل‌وار در لابلای این مجموعه از آن یادآوری شده است، وجود دارد. به‌خاطر رفع این معضلات جذب استادان مسلکی، رشته‌بندی متعلمین دوره ثانوی مکاتب، فراهم‌سازی تجهیزات و سرمایه‌گذاری در بخش زیربنای پوهنتون‌ها و سایر راه‌حل‌های ممکنه در لابلای این مقاله یادآوری شده که ممکن پالیسی‌سازان و مسئولین را در بخش برنامه‌ریزی‌های آینده به‌خاطر داشتن نظام تحصیلی پویا و مؤثر در کشور کمک نماید.

منابع

- اداره ملی احصائیه و معلومات. (۱۳۹۵). شاخص فقر چندبعدی افغانستان، تحلیل و گزارش، ص ۸.
- اداره ملی احصائیه و معلومات. (۱۳۹۹). سال‌نامه احصائیوی نسخه اول، ص ۴.
- پالیسی تحقیقات علمی. (بدون سال). وزارت تحصیلات عالی افغانستان، صص ۲-۵.
- پلان استراتژیک وزارت تحصیلات عالی. (۱۳۹۵). وزارت تحصیلات عالی، جمهوری اسلامی افغانستان، ص ۲۱.
- ره‌نمود بازنگری و انکشاف تحصیلات عالی. (۱۳۹۹). معینیت علمی وزارت تحصیلات عالی، صص ۱-۴.
- علی آبادی، علی رضا. (۱۳۸۲). افغانستان مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، وزارت امور خارجه ایران، دفتر مطالعات سیاسی، ص ۲۸.
- فروتن، خوشبخت. (۱۳۸۳). روش‌های نوین تدریس، انتشارات سعید، صص ۱۰۶-۱۰۷.
- قانون تحصیلات عالی ملکی. (۱۳۹۴). وزارت تحصیلات عالی افغانستان، ص ۳۱.
- مقرره معاش و امتیازات اعضای کادر علمی. (۱۳۹۸). وزارت عدلیه، جمهوری اسلامی افغانستان، صص ۶۲-۶۳.
- مرکز ملی تحقیقات پالیسی. (۲۰۱۰/۱۳۸۸). دلایل انکشاف بطی اقتصاد افغانستان، پروژه تحقیقاتی دیپارتمنت اقتصاد پوهنتون کابل، صص ۳۴-۳۵.
- Afghanistan National Literacy Action Plan (2012) Ministry of Education. Literacy Department. Available on: <http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/ED/pdf/Afghanistan.pdf>
- Ahmad, Iqbal; Kahil ur Rahman; Ali, Asghar; Khan Itbar; and Fazl, Akbar Khan (2014) Critical Analysis of the Problems of Education in Pakistan: Possible Solutions. A research paper published on International Journal of Evaluation and Research In Education. Vol. 3. No. 2. P 79-84. Available on: <http://www.iaesjournal.com/online/index.php/IJERE>
- Islamic Republic of Afghanistan, National Strategic Planning Report (ANDS) (2008) First Annual Report. P 17 and 36.
- Karolina, Wilk (2017) The Best Education System in the World. Holistica. Vol. No. 8. Issue 3. P 113-114.
- Kumar, Dilip (2021) Higher Education in India: A Critical Analysis. Research Paper. International Journal for Innovative Research in Multidisciplinary field. P 159-161. Available on: <http://www.IJIRMF.com>
- Shamail, Amir; Sharf, Noshaba, Sharf; and Rizwan, Ali Khan (2020) Pakistan's Education System: An Analysis of Education Policies and Drawbacks. Electronic Research Journal of Social Sciences and Humanities. Vol. 2. Issue No. 1. P 8-9. Available on: <http://www.eresearchjournal.com>